



بولتن تخصصی

شماره ۱۸ / اردیبهشت ۱۴۰۳

اتاق نارنجی

O R A N G E R O O M

امردرونی

عامل اتصال طراحی داخلی

و طراحی صحنه

پژوهش، بنیان طراحی صحنه باورپذیر و

تعمیم پذیر است

طراحی صحنه رشته‌ای است که از برآیند بسیاری رشته‌های دیگر پدید می‌آید. برخی از این رشته‌ها اولیه و بعضی دیگر ثانویه هستند. حوزه‌هایی نظیر معماری، طراحی، طراحی داخلی، نقاشی، مجسمه‌سازی و عکاسی، رشته‌های اولیه‌ای هستند که پیوند آن‌ها با طراحی صحنه انکارناشدنی است. رشته‌های دیگری نظیر تاریخ، جغرافیا، روانشناسی، جامعه‌شناسی و...، رشته‌هایی فرعی محسوب شده که البته از رد پای پررنگی در طراحی صحنه برخوردارند. امروزه در عرصه رشته‌های اولیه، پژوهش‌ها و ادبیات تحقیقاتی خاصی پدید آمده‌اند که منجر به نزدیکی و قرابت هرچه بیشتر آن‌ها با طراحی صحنه شده است. یکی از این رشته‌های مهم طراحی داخلی است.

تحقیق را نداریم. همان‌طور که در سطور بالا عنوان شد، "درک روش‌های تحقیق و یافته‌ها" می‌تواند راه‌حل‌های طراحی و خلاقانه بهتری را ارائه دهد. این راه‌حل‌ها قادرند نیازهای پیچیده و متنوع طراحی صحنه امروز فیلم و تئاتر را برآورده سازند.

امردرونی / ۲

در اواخر قرن بیستم، یک اصطلاح فنی در ادبیات طراحی داخلی برجسته شد: درونی بودن. مفهومی که عرصه طراحی داخلی را بیش از گذشته به حوزه طراحی صحنه فیلم و تئاتر نزدیک ساخت. سی. جی. هیولت ^۳ در سال ۱۹۸۵ نوشت:

«فضای داخلی، به عنوان یک راه‌حل طراحی، انواعی از سطوح آگاهی را که به آن‌ها پاسخ می‌دهیم مشخص می‌سازد. این سطوح عبارتند از آرزوها، کارکردها، فردگرایی، اساطیر، مکان، ساختار، چه کسی، چرا و احتمالاً سایرین.» [۲]

داخلی تنها بخشی از طراحی صحنه یک اثر اجرایی نمایشی را تشکیل می‌دهد [۱].

امروزه حرفه طراحی صحنه روز به روز از گسترش بیشتری برخوردار می‌شود. پیشرفت‌ها و ارتقاء جلوه‌های ویژه میدانی و رایانه‌ای، تولید دوربین‌هایی به حساسیت‌ها و فناوری بالاتر، سیستم‌های نورپردازی دقیق‌تر و کارآمدتر، طراحان صحنه را برای بازنگری در برنامه‌ریزی فضایی خود دچار چالش ساخته‌اند. نوآوری‌ها در واقعیت مجازی و طراحی محاسباتی نیز تفکر طراحی را متحول ساخته‌اند. این پیشرفت‌ها، بر نیاز طراحان صحنه برای به روز ماندن با حجم وسیعی از دانش طراحی قابل تعمیم، تاکید می‌کنند. یکی از چالش‌هایی که طراحان صحنه در آموختن روش‌های تحقیق با آن روبرو هستند این است که ما برای طراحی و تولید، آموزش‌های خلاقانه بی‌نظیری را پشت سر گذاشته‌ایم؛ در حالی که توانایی طراحی و اجرای صحنه‌های مبتنی بر روش‌های

طراحان صحنه غالباً با رشته‌های مختلفی کار کرده و دانش سایر رشته‌های دانشگاهی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند. در واقع، ماهیت بینارشته‌ای آن‌چه یک طراح صحنه باید بداند، به شکل جوهری در تمام حرفه‌های وابسته به طراحی، وجود دارد. اخیراً گروهی از پژوهشگران برجسته طراحی داخلی به این نکته بسیار مهم اشاره کرده‌اند:

هرچه طراحی فضاهای داخلی پیچیده‌تر می‌شود، نقش انجام و درک تحقیقات اصلی، به طور فزاینده‌ای به بخش ضروری فرایند طراحی بدل می‌شود. گزارش چشم‌انداز آینده ^۴ CIDA در سال ۲۰۱۴ از طراحان خواسته است: "تصمیمات طراحی خود را از طریق درک روش‌های تحقیق و داده‌های به دست آمده هدایت کنند." در همین راستا است که وقتی به طراحی صحنه فیلم و تئاتر می‌رسیم، اهمیت تحقیق و پژوهش مضاعف می‌شود. توجه کنیم که طراحی



روایی برای طراحی داخلی را پیشنهاد کرده و در آن به امر درونی نیز اشاره می‌کند [۴]. او امر درونی را به سادگی در قالب «ارزش‌های درونی در نسبت با آگاهی اجتماعی و امر شخصی» [۵] تعریف کرده و نشان می‌دهد «برجسته کردن طراحی داخلی به عنوان طراحی فضاهای داخلی بر اساس روش‌های جدید بالقوه تفکر داخلی، وابسته به چگونگی امر درونی و زمان در یک فضای داخلی است.» [۶] بدین ترتیب، از آغاز قرن ۲۱، طراحی داخلی را دیگر نمی‌توان مولفه‌ای کاملاً وابسته به معماری دانست و باید اعتراف کرد به حوزه صحنه‌پردازی نزدیک‌تر شده است و شاید بتوان اظهار داشت «امر درونی» آن را به خود طراحی صحنه بدل ساخته است. طراحی صحنه مکان‌های داخلی، برای افرادی واقعی، متمایز، شخصی و البته با فرهنگ‌ها، آرزوها و پیشینه‌های متفاوت. آیا این رویکرد، چیزی جز تحلیل فضا در طراحی صحنه فیلم و تئاتر است که بر اساس شخصیت، زمان و مکان شکل می‌گیرد؟

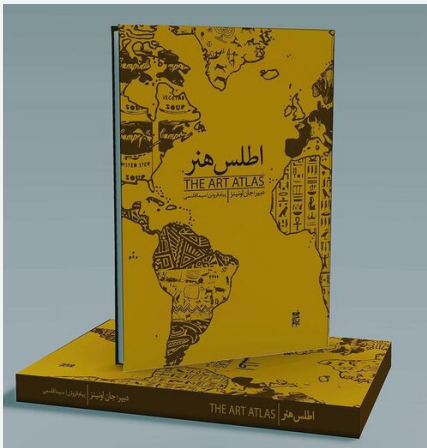
معمولا در ادبیات پژوهش از آن استفاده می‌شود - از چنین محدودیت‌های فیزیکی فراتر می‌رود. البته که عوامل قابل اندازه‌گیری در مسائل مربوط به امر درونی نقش دارند؛ اما اگر امر درونی را شامل آرزوها، اساطیر و فردگرایی بدانیم؛ این مولفه، ناگزیر است تجربه ذهنی انسانی را به معنای وجودی آن در برگیرد.

در سال ۲۰۱۱، پترا پرولینی^۴ نوشت: «در آموزش‌هایی که به ایجاد درک درونیات، اذهان درونی، و خانه‌های درونی، منجر می‌شود، نیاز به دگرگونی بر مبنای آگاهی نسبت به کارکرد و تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد. بدین ترتیب «فرایندی در درون فرد شکل می‌گیرد که بیانگر آگاهی منحصر به فرد از جهان و رابطه روانشناختی با جهان است.» [۳] از همین نظریه پرولینی می‌توان در عرصه طراحی صحنه نیز استفاده کرد و یادآور شد که در حوزه آموزش این رشته نیز باید تغییراتی صورت گیرد و بر امر درونی بیش از پیش تاکید کرد. در همین راستا، در سال ۱۹۹۹، کیتی گانوه^۵ نیز نوعی روش طراحی

این مولفه‌ها، دقیقا همان عناصری هستند که در زمان تحلیل بصری یک نمایشنامه/فیلمنامه مورد توجه قرار گرفته و ضمن استخراج آن‌ها از بطن متن، بنیان ایده‌ها و طرح‌های خود از یک صحنه/لوکیشن داخلی را به واسطه آن‌ها شکل می‌دهیم.

از منظر هیولت، وظیفه طراحی داخلی/طراحی صحنه، صرفا چیدمان اشیاء در آرایه‌های فیزیکی به منظور ایجاد جلوه بصری یا عملکرد انسانی نیست؛ بلکه دربرگیرنده واقعیت‌هایی نظیر اساطیر، آرزوها و فردگرایی است. این مولفه‌ها به هیچ‌وجه عواملی تجربی و قابل اندازه‌گیری نیستند. بدین ترتیب، نخستین وجه تمایز درونی بودن پدیدار می‌شود: امر درونی، به فضای داخلی فیزیکی - فضاهایی که توسط دیوارها محصور شده‌اند - محدود نمی‌شود. فضاهای داخلی متعین توسط دیوارها از نظر ابعاد، اندازه، ویژگی‌های صوتی، میزان انتشار نور و... قابل اندازه‌گیری عددی هستند؛ اما درونی بودن - آن‌گونه که امروزه





Carwan
Dourandich

*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIn:
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن
طراح هنری: کاروان دوراندیش
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می‌باشد.

در طراحی داخلی به درون شخصیت‌های زنده و روزمره نفوذ می‌یابیم و در فیلم و تئاتر به شخصیت‌هایی که قرار است زندگی یابند و در ذهن و یاد مخاطب باقی بمانند.

منابع:

- [1] Lisa Waxman, Amy Huber, Stephanie Clemons, and Lena McLane, "Research by Design: Linking Student Researchers with Industry Needs," 2016 *Interior Design Educators Council Annual Conference*, Portland, OR. www.idec.org/i4a/pages/index.cfm?pageID=4142. Accessed November 11, 2019.
- [2] C. J. Hewlett, "The Future in Interior Design!" *Journal of Interior Design* 11, no. 1 (1985): 11.
- [3] Petra Simona Perolini, "Interior Spaces and the Layers of Meaning," *Design Principles and Practices* 5, no. 6 (2011): 169.
- [4] Ibid., 170.
- [5] Cathy J. Ganoë, "Design as Narrative: A Theory of Inhabiting Interior Space," *Journal of Interior Design*, 25, no. 2 (1999): 1-15 (1).
- [6] Suzie Attwill, "Practices of Interiorization: An Inter-Story," in *Meanings of Designed Spaces*, ed. Tiiu Vaikla-Poldma, 175-184. (New York: Fairchild Books, 2012), 175.

نمونه‌های موفق دیگری از امر درونی را می‌توان در ادبیات تحقیق متاخر مشاهده کرد. ژاکلین پاور⁶ «درون شهری» را به عنوان یک حوزه تحقیقاتی در حال ظهور معرفی کرده است. پاور روستاهای بومیان پالاوا استرالیا را مورد بررسی قرار داده و استدلال می‌کند که پذیرش استاندارد امر «درونی» - به عنوان فضاهای پشت دیوار - برای این فرهنگ غیر اروپایی مناسب نیست. بدین ترتیب، «مفهوم درونی بودن در قالب چارچوبی درمی‌آید که به واسطه آن تعریف فضای داخلی را گسترش دهیم... (به مثابه) وسیله‌ای چالش‌برانگیز که لزوماً به خود ساختمان‌ها متصل نیست.» [7]

بدین ترتیب، همان‌طور که مشاهده شد امروزه با ایجاد ادبیات تحقیقی درونی بودن که در حوزه طراحی داخلی پدید آمده است، این عرصه بیش از گذشته به طراحی صحنه فیلم و تئاتر نزدیک شده و در بسیاری موارد با یکدیگر همپوشانی یافته‌اند. شاید بتوان عامل اتصال این دو حوزه به یکدیگر را «شخصیت» دانست.

